Wort des Tages لغتِ روز flunkern, lügen, schwindeln, mogeln, Der Schwindel

written by مرتضی غلام نژاد | آگوست 14, 2017

flunkern یک فعل می باشد

Ein bisschen lügen

یه ذره دروغ گفتن

در درس های گذشته نگاهی داشتیم به فعل lügen که گفتیم به مفهوم دروغ گفتن است.

درس مربوط به فعل lügen

اما وقتی یه کوچولو دروغ بگوییم یا به زبان ساده تر بخواهیم خالی ببندیم ، آنگاه می توانیم از فعل flunkern که به مفهوم زیر است استفاده کنیم

لاف زدن ، گزافه گویی کردن ، دروغ سر هم کردن ، یک چیز کوچک را بزرگ کردن و به آن شاخ و برگ دادن ، مبالغه کردن

گذشته ساده : flunkerten
گذشته کامل : haben geflunkert

Ich habe heute früh ein bisschen geflunkert. Es war nicht so, dass der Wecker keine Batterie mehr hatte und ich deshalb verschlafen habe. Ich habe einfach vergessen, den Wecker zu stellen

من امروز صبح زود یه کوچولو خالی بستم ، اینجوری نبود که ساعت باطری نداشته و به این علت خواب مونده بودم ، بلکه من فقط فراموش کرده بودم ساعت را تنظیم کنم.

Er hat wohl nur geflunkert

در واقع او فقط گزافه گویی کرد

حال که ما در این نوع سری دروس Wort des Tages به دو فعل مهم و پر کاربرد در ارتباط با دروغ گفتن اشاره کرده ایم ، بد نیست که دو فعل دیگری که در این رابطه می تواند مورد استفاده قرار داد را نیز بررسی کنیم.

schwindeln, mogeln

schwindeln

گول زدن ، فریفتن ، دغل بازی کردن ، حقه زدن ، کلک سوار کردن

البته اگر این فعل به عنوان یک فعل انعکاسی در جمله مورد استفاده قرار بگیرد آنگاه به معنی : گیج رفتن سر می باشد

گذشته ساده : schwindelten
گذشته کامل : haben geschwindelt

البته از همین فعل می توانیم به اسم مذکر Schwindel نیز برسیم

Der Schwindel یک اسم مذکر است

سرگیجه ، عدم تعادل ، فریبکاری ، تقلب ، ریاکاری ، کلاهبرداری ، خرت و پرت ، بنجل ، وسایل بی ارزش

mogeln

تقلب کردن ، حقه زدن ، گول زدن ، کلاه برداری کردن ، فریب دادن

گذشته ساده : mogelten
گذشته کامل : haben gemogelt

Jeder von uns lügt – hin und wieder mal. Manche lügen mehr, manche weniger. Es gibt Notlügen und Lügen, mit denen man andere bewusst täuscht. Und es gibt Momente, da man hat man das Gefühl, dass man sich nur mit einer Lüge retten kann. Das kann manchmal schief gehen

هر یک از ما در گذشته و دوباره (حال) دروغ میگه ، بعضی ها خیلی دروغ می گویند ، بعضی ها کم ، دروغ های وجود دارد که از روی ناچاری هستند و دروغ های که توسط آنها آدم آگاهانه دیگران را فریب میدهد. لحظاتی وجود دارد که آدم این احاساس را دارد که خودش را با یک دروغ بتواند نجات بدهد. اما همین هم می تواند گاهی با شکست رو به رو شود.

Doch nicht nur Kinder, auch viele Erwachsene nehmen es mit der Wahrheit nicht immer so genau

قطعا نه تنها بچه ها ، بلکه خیلی از آدم های بالغ نیز دقیقا تمام حقیقت و واقعیت را به کار نمیگیرند

Manche Lügen helfen einem für einen Moment aus der Patsche; es gibt aber auch Lügen, die einen erst richtig in Schwierigkeiten bringen

بعضی دروغ ها در لحظه به یک نفر کمک میکنند ، اما دروغ های نیز وجود دارد ، که آنها واقعا آدم را به درد سر می اندازند.

———————-

هر آدمی با هر فرهنگ و اعتقادی میداند که دروغ گفتن نمی تواند هرگز کار قابل قبولی باشد ، و همه میدانیم که اگر یک دروغ در مدت زمان کوتاه به یاری مان برسد ، اما در بلند مدت می تواند باعث درد سرمان نیز بشود.
اما با این وجود برخی از آدم ها در فرهنگ های متفاوت ، متاسفانه همچنان به راحتی دروغ می گویند.

در بعضی از فرهنگ ها مانند ما فارسی زبان ها متاسفانه از کنار خیلی از دروغ ها به سادگی میگذریم و شاید روزانه بارها از این دست دروغ ها استفاده کنیم و به شکلی عادت کرده باشیم به آنها و به خاطر بیان آن دروغ ها هرگز احساس بدی بهمان دست ندهد . مانند :

Er ist leider nicht zu Hause

متاسفانه ، او خانه نیست!

چند مثال و پایان درس :

Hast du schon wieder geschwindelt?

باز دوباره دنبال دغل بازی هستی؟

باز دوباره فریب دادی ، دروغ گفتی؟

Wegen einer solchen Kleinigkeit braucht man nicht zu schwindeln

آدم به خاطرِ از این دست مسائل کوچک نیاز نیست حقه یا کلک بزند

آدم به خاطرِ این جور مسائل کوچک نیاز نیست دغل بازی بکند

Beim Kartenspiel mogeln

هنگام ورق بازی (پاسور بازی) حقه زدن

Unser Kleiner versucht immer mal wieder zu mogeln

فرزند کوچک مان همیشه سعی میکند هی حقه بزند ، فریب بدهد

Fensterputzer arbeiten oft in Schwindel erregender Höhe

افرادی که پنجره ها را تمیز میکنند اغلب در ارتفاع بلندی که باعث سرگیجه می شوند کار میکنند

Ein unerhörter Schwindel

یک حقه یا فریب بی شرمانه

برای تمرین شما نیز سعی کنید جملات زیر را ترجمه کنید و آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

البته ترجمه صحیح و کامل جملات زیر بعداً به این درس اضافه خواهد شد.

Wichtig!

Nicht jede Lüge ist schlecht. Manchmal gehört es sogar zum “guten Ton”, wenn man schwindelt. Anstatt jemanden zu sagen, wie doof sein T-Shirt aussieht und ihn dadurch zu verletzen, sind wir höflich und sagen etwas Nettes. Solche Lügen nennt man “Notlügen

Manche lügen aus Angst, andere zu enttäuschen. Wenn du dich zum Beispiel nicht traust, zu Hause deine Noten zu zeigen, sprich mit deinen Eltern oder mit dem Schulpsychologen darüber

Manche lügen, weil sie Angst vor einer Strafe haben, z.B. wenn sie etwas kaputt gemacht oder

verloren haben. Dann sagen sie, es wäre jemand anders gewesen oder es sei ihnen geklaut worden. Wenn sie etwas geklaut haben, sagen sie, sie hätten es gefunden oder jemand hätte es ihnen geschenkt. Vielleicht glauben es die Eltern und die Lüge kommt nie heraus, vielleicht auch nicht – dann ist man erst recht blamiert. In jedem Fall hat man ein schlechtes Gewissen

Manche lügen, um auf andere Eindruck zu machen. Sie möchten bewundert werden, genauso beliebt sein wie die anderen, Freunde finden, in eine Clique aufgenommen werden. Hier heißt es aufpassen – früher oder später wird man dahinter kommen. Lass lieber das Flunkern! Echte Freunde mögen dich so wie du bist

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :